

کتاب دانیال — شماره هشتاد و پنج

آشکار ساختن سفر نبوی: پیوند الہی نقاط عطف تاریخی

Jeff Pippenger

2024-02-18

پس از شورش سال ۱۸۶۳، یکصد و بیست و شش سال بعد، در سال ۱۹۸۹، شش آیه آخر دانیال یازده مہرگشایی شد۔ معرفتی کہ نخست در آن سال مہرگشایی شد، شناخت خطوط اصلاح در تاریخ مقدس بود، و این مکاشفہ کہ ہمہ آنہا با یکدیگر موازی اند۔ سپس در سال ۱۹۹۲، نور شش آیه آخر آغاز بہ گشودہ شدن کرد۔ نخستین ارانہ ہای عمومی این حقایق در سال ۱۹۹۴ بود، و موضوع خطوط اصلاح بود۔ در سال ۱۹۹۶، مجلہ ای با عنوان The Time of the End منتشر شد کہ شش آیه آخر دانیال یازدہ را شناسایی می کرد۔

سال ۱۹۹۶ سالی بود کہ این پیام صورت بندی رسمی یافت؛ و این نشانہ ای است کہ با صورت بندی رسمی پیام ویلیام میلر در سال ۱۸۳۱ موازی است۔ پیام میلر اعلان گشایش داوری بود، و شش آیه آخر دانیال یازدہ اعلان پایان داوری بود۔ موضوع پیام میلر، زمان نبوتی بود آن گونه کہ در کتاب مقدس آشکار شدہ است۔ موضوع شش آیه آخر دانیال یازدہ، روم جدید بود (پادشاہ شمال جعلی)۔ روش شناسی ای کہ بہ میلر آشکار شد، همان ۱۴ قانون او برای تفسیر نبوت بود۔ روش شناسی ای کہ در سال ۱۹۸۹ آشکار شد، «حکم بر حکم» جنبش ہای اصلاحی بود۔

د میلر کار پہ دے کہ شامل و چہ د خدای کلام یی د واکمن او مقتدر مرجع پہ توگہ تہینک کر، د پاپی دودونو او رواجونو پہ مقابل کہ چہ د زر او دوه سوه او شپہتو کلونو لپارہ یی پہ نری کہ نفوذ درلود۔ د ہمدے علت له مخہ، د میلر پیغام لومړی ځل پہ ۱۸۳۱ کال کہ خپور شو (او پہ دے توگہ د میلر پیغام رسمي بڼہ وموندله)، عیناً دوه سوه او شل کاله وروستہ له هغه چہ د کینک جہمز بایبل ترتیب او خپور شوی و۔ د Future for America کار دا و چہ د متحدہ ایالاتو هغه رول وپېژني چہ د پاپی د مرگوني زخم پہ رغولو کہ بہ د نردې راتلونکي د یکشنبې د قانون پر مهال ولري۔ د همدې علت له مخہ، The Time of the End مجلہ پہ ۱۹۹۶ کال کہ خپره شوه (او پہ دے توگہ پیغام رسمي بڼہ وموندله)، عیناً دوه سوه او شل کاله وروستہ له هغه چہ متحدہ ایالات پہ ۱۷۷۶ کال کہ پیل شول۔

دو سو بیس سال کی اُس حقیقت کا ادراک، جو ہر اصلاحی تحریک کے مضمون کو ایک تاریخی نقطہ مرجع سے باندھتا تھا، 11 ستمبر 2001 کے کافی بعد تک نہ ہو سکا؛ کیونکہ اسی تاریخ پر جب تیسری ہلاکت آپہنچی، تب خداوند نے اپنی قوم کو یرمیاہ باب 6، آیات 16 اور 17 کی قدیم راہوں کی طرف واپس لے گیا۔ وہیں "سات اوقات" کی روشنی از سر نو دریافت ہوئی، اور جیسے جیسے وہ روشنی ترقی کرتی گئی، یہ ظاہر ہوتا گیا کہ دو سو بیس وہ عدد ہے جو دانی ایل 8:13 اور 14 کو باہم مربوط کرتا ہے۔ آیت 13 میں نبوی تاریخ کی "chazon" رؤیا کی نشان دہی کی گئی ہے، اور آیت 14 میں "appearance" کی "mareh" رؤیا کی نشان دہی کی گئی ہے۔ ان دونوں آیات کے درمیان یہی تعلق تھا جسے جبرائیل دانی ایل کو سکھانے کے لیے آیا تھا، اور دانی ایل آخری ایام میں خدا کی اُس قوم کی نمائندگی کرتا ہے جو ان دونوں رؤیائوں کے باہمی تعلق کو سمجھنے تک پہنچتی ہے۔

رؤیای آیہ سیزدہم نمایانگر «ہفت زمان» (دو ہزار و پانصد و بیست سال) است، و رؤیای آیہ چہاردہم نمایانگر دو ہزار و سیصد روز (سال) است۔ «ہفت زمان» پر ضد پادشاہی جنوبی یہودا، کہ نمایانگر یہودا، اورشلیم و مقدس است، در سال ۶۷۷ پیش از میلاد آغاز شد، و دو ہزار و سیصد

سالی که بازسازی اورشلیم و مقدس را مشخص می‌کند، در سال ۴۵۷ پیش از میلاد آغاز گردید.

دو صد و بیست سال این دو رؤیا را به یکدیگر پیوند می‌دهد، و عدد دو صد و بیست به‌عنوان نمادی از ارتباط میان پایمال شدن لشکر و مقدس به‌وسیله قدرت‌های ویرانگر بت‌پرستی و پاپ‌گرایی شناخته شد؛ امری که به‌صورت پراکندگی و خشم خدا به تصویر کشیده شده است. این دو صد و بیست سال، رؤیای کار شیطان‌ی پایمال کردن مقدس را با رؤیای کار خدایسندانه بازسازی همان هیکل به هم پیوند می‌داد. ازاین‌رو، دو صد و بیست سال نمادی است که پیوندی مقدس را نمایندگی می‌کند.

چنان‌که جنبش میلریتی با شورش سال ۱۸۶۳ به پایان رسید، و سپس یکصد و بیست و شش سال بعد جنبش فرشته سوم فرا رسید، و بدین‌سان تأکید شد که آن دو جنبش به‌واسطه نمادپردازی «هفت زمان» (یکصد و بیست و شش) به یکدیگر مرتبط بودند، همان‌گونه نیز دویست و بیست سال، استقرار پیام کتاب مقدس به‌وسیله میلر در ۱۸۳۱ را با انتشار کتاب مقدس نسخه کینگ جیمز در ۱۶۱۱ مرتبط ساخت، به همان سان همین دوره زمانی Future for America را با آغاز آمریکا پیوند داد، در حالی که پایان آمریکا را نیز معین می‌ساخت.

به تاریخ ۲۲ اکتوبر ۱۸۴۴، رسول عهد ناگهان اُس پیکل میں آیا جسے اُس نے سنہ ۱۷۹۸ سے، جو پہلی برہمی کے خاتمہ کا وقت تھا، لے کر ۱۸۴۴ تک، جو آخری برہمی کے خاتمہ کا وقت تھا، چھاپایس برس میں برپا کیا تھا۔ اُس کا پیکل میں داخلہ نیم شب کی فریاد کی تحریک میں روح القدس کے اندیلے جانے سے پیش‌تر ہو چکا تھا، جس کی پیش‌نمائی مسیح کے یروشلم میں ظفرمندانہ داخلہ سے ہوئی تھی۔ یہ دو گواہ قائم کرتے ہیں کہ جب اخیر ایام میں نیم شب کی فریاد کی تحریک دوبارہ واقع ہوگی، تو مسیح ایک لاکھ چوالیس ہزار کے پیکل کو برپا کر چکا ہوگا۔ وہ دو تحریکیں جن میں دس کنواریوں کی تمثیل کی نیم شب کی فریاد پوری ہوتی ہے، ایک دوسرے کے متوازی ہیں۔

«اغلب مرا به مثل ده باکره ارجاع می‌دهند، که پنج تن از ایشان دانا بودند و پنج تن نادان. این مثل تا به دقیق‌ترین وجه لفظی تحقق یافته است و تحقق خواهد یافت، زیرا کاربردی ویژه برای این زمان دارد و همانند پیام فرشته سوم، تحقق یافته است و تا پایان زمان همچنان حقیقت حاضر خواهد بود.» 19، Review and Herald، اوت 1890.

تاریخ میلری‌ها (جنبش فرشته اول)، نمایانگر تجلی فزاینده قدرت خداست که از زمانی آغاز شد که کتاب دانیال در سال 1798 گشوده شد. این قدرت زمانی افزایش یافت که فرشته مکاشفه 10 در 11 اوت 1840 فرود آمد. سپس نخستین نومیدی 19 آوریل 1844 فرا رسید، و سرانجام به افاضه روح القدس در اجتماع اردویی اکستر، که از 12 اوت 1844 آغاز شد، انجامید و همچون موجی خروشان بر سراسر سرزمین گسترش یافت تا 22 اکتبر 1844.

تاریخچه Future for America (جنبش فرشته سوم)، نموداری از تجلی فزاینده قدرت خداست که از زمانی آغاز شد که کتاب دانیال در سال ۱۷۸۹ گشوده شد. این قدرت هنگامی افزایش یافت که فرشته مکاشفه هجده در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ نزول کرد. سپس نخستین نومیدی ۱۸ ژوئیه ۲۰۲۰ فرا رسید، که در نهایت به افاضه روح القدس خواهد انجامید؛ افاضه‌ای که همچون آتشی مهارنشده در سراسر زمین گسترش خواهد یافت تا زمانی که میکائیل برخیزد و مهلت آزمون بشر به پایان برسد.

در ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴، چندین نبوت تحقق یافت؛ و از این‌رو آشکار می‌گردد که در قانون یکشنبه‌ای قریب‌الوقوع نیز چندین نبوت بار دیگر تحقق خواهد یافت. یکی از آن نبوت‌ها، درنگ رؤیا است، چنان‌که در فصل دوم حقوق به تصویر کشیده شده است. فصل دوم حقوق تجربه هر دو جنبش فرشته اول و فرشته سوم را مشخص ساخت. هر دو جنبش با مناقشه‌ای درباره روش‌شناسی صحیح کتاب مقدسی روبه‌رو می‌شوند؛ مناقشه‌ای که میان نمایندگان آن جنبش و قوم برگزیده پیشین، که در

جریان این مناظره کنار گذارده می‌شوند، به انجام می‌رسد.

پیامی که نگهبانان تاریخ فرشته اول می‌بایست از آن دفاع کنند، عبارت بود از شناسایی حقایق (جواهرات میلر) که سرانجام بر دو نمودار مقدس سال‌های 1843 و 1850 به تصویر درآمدند. در فرایند این مجادله، نومییدی‌ای پدید می‌آمد که جدایی از دو طبقه متخاصم را رقم می‌زد، و برای وفاداران، دعوتی به تخصیص عمیق‌تر خویشتن به خدا در پی داشت.

سپس حقوق تمایز میان دو گروهی را که در فرایند آزمون حقایق بنیادی درگیر بودند، مشخص می‌سازد. آن فرایند آزمون، که شامل مناظره میان آن دو گروه بود و در ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ خاموش شد، درست در همان‌جا پایان یافت که باب دوم حقوق پایان می‌یابد.

لكن الربّ في هیکل قدسه؛ فلتصمت الأرض کلّها أمامه. حقوق 2:20.

خداوند ناگهان به هیکل میلری خود وارد شد، و در آن هنگام تمامی زمین می‌بایست خاموشی گزیند، زیرا روز کفاره ضدنمونه‌ای فرارسیده بود و داوری مردگان آغاز شده بود. تاریخ نبوی حقوق فصل دو در ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ به پایان رسید، و عیسی همواره پایان یک چیز را با آغاز یک چیز یکی می‌شناساند. آغاز آن دو رؤیا، یعنی دو هزار و پانصد و بیست سال پایمال شدن مقدس و لشکر، و رؤیای اعاده مقدس و لشکر، با هم آغاز شدند، اما به فاصله دویست و بیست سال از یکدیگر جدا بودند، و هنگامی که به پایان رسیدند، پایان‌یافته شناسانده شدند، در حقوق فصل دو آیه بیست.

در قانون یکشنبه که به‌زودی فرا خواهد رسید، چندین نبوت به انجام خواهد رسید. یکی از آن نبوت‌ها، درنگ رؤیاست، چنان‌که در باب دوم حقوق به تصویر کشیده شده است. باب دوم حقوق تجربه هر دو جنبش فرشته اول و فرشته سوم را مشخص می‌سازد. هر دو جنبش با جدالی درباره روش‌شناسی درست کتاب مقدسی روبه‌رو می‌شوند؛ جدالی که میان آن نمایندگان جنبش و قوم برگزیده پیشین که در جریان این مباحثه از آنان عبور می‌شود، واقع می‌گردد.

پیامی که دیده‌بانان تاریخ فرشته سوم باید از آن دفاع کنند، شناسایی حقایق (جواهرات میلر) است که در نهایت بر دو نمودار مقدس ۱۸۴۳ و ۱۸۵۰ بازنمایی شد. در جریان این مناظره، نومییدی‌ای پدید آمد که جدایی‌ای میان دو طبقه متخاصم را مشخص ساخت، و برای وفاداران دعوتی به تقدیس عمیق‌تر به همراه آورد. سپس حقوق تمایز میان دو طبقه‌ای را که در فرایند آزمون حقایق بنیادی درگیر بودند، مشخص می‌سازد. آن فرایند آزمون، که به‌وسیله مناظره میان آن دو طبقه بازنمایی شده بود، به‌طور کامل در قانون یکشنبه‌ای که به‌زودی خواهد آمد پایان خواهد یافت، درست در همان‌جا که باب دوم حقوق پایان یافت.

اما خداوند در هیکل مقدس خویش است؛ تمامی زمین به حضور او خاموش بماند. حقوق ۲:۲۰

El Señor entrará de repente en el templo de los ciento cuarenta y cuatro mil, y entonces toda la tierra guardará silencio, porque el Día de la Expiación antitípico llegará al juicio de los vivos. La historia profética de Habacuc capítulo dos concluye en la ley dominical de pronta promulgación, y Jesús siempre identifica el fin de una cosa con el comienzo de otra

داوری زندگان در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ آغاز شد، اما داوری یک فرایند است. آن فرایند از خاندان خدا آغاز می‌شود، و سپس به نقطه‌ای می‌رسد که داوری بر کسانی واقع می‌شود که بیرون از خاندان خدا هستند. هنگامی که ساختمان‌های عظیم شهر نیویورک فرو افکنده شدند، داوری‌ای که به‌وسیله فرشته مهرزن، در حال عبور از اورشلیم و نهادن علامت بر کسانی که برای مکروهاتی که در کلیسا

انجام می‌شود، و نیز برای مکروهاتی که در سرزمین به عمل می‌آید، آه و ناله می‌کنند، نمادپردازی شده بود، آغاز شد. در قانون یکشنبه‌ای که به زودی خواهد آمد، مسیح کار برپا ساختن هیکل صد و چهل و چهار هزار تن را به پایان رسانده خواهد بود، و فرشتگان هلاک‌کننده داوری را بر اورشلیم خواهند آورد.

پس آن صد و چهل و چهار هزار نفر به عنوان علّمی برافراشته می‌شوند، و داوری زندگان برای آن گُلّه دیگر، که در دانیال باب یازدهم، آیه چهل و یکم، به وسیله اِدم و موآب و سرآمد بنی‌عمون نمایانده شده است، آغاز می‌گردد.

خواه پہلے فرشتے کی میلرائٹ تحریک کو مدنظر رکھا جائے یا تیسرے فرشتے کی عظیم الشان تحریک کو، اصلاحی تحریک کی مکمل تاریخ حق کے ایک بتدریج بڑھتے ہوئے انکشاف کی نمائندگی کرتی ہے، جو روح القدس کے انڈیلے جانے پر منتج ہوتی ہے۔ روح القدس کا انڈیلے جانا آخری ایام کی پیشین گوئیوں کا مرکزی موضوع ہے۔ یہی وجہ ہے کہ نادان کنواریوں کے پاس تیل نہیں، اور دانشمند کنواریوں کے پاس ہے۔ تیل بارش ہے۔

کہتے ہیں، اگر کوئی مرد اپنی بیوی کو طلاق دے دے اور وہ اس کے پاس سے چلی جائے اور کسی دوسرے مرد کی ہو جائے، تو کیا وہ پھر اس کے پاس لوٹ آئے گا؟ کیا وہ ملک بہت زیادہ ناپاک نہ ہو جائے گا؟ لیکن تو نے بہت سے عاشقوں کے ساتھ زنا کیا ہے؛ پھر بھی میری طرف رجوع کر، خداوند فرماتا ہے۔ اپنی آنکھیں اونچی جگہوں کی طرف اٹھا کر دیکھ، کہاں ہے وہ جگہ جہاں تو سے مباشرت نہ کی گئی ہو؟ تو راستوں میں ان کے لیے بیٹھی رہی، مانند عربی کے جو بیابان میں گھات لگائے بیٹھا ہو؛ اور تو نے اپنی زناکاریوں اور اپنی شرارت سے ملک کو ناپاک کر دیا۔ اس لیے مینہ روک لیا گیا، اور پچھلی بارش نہ ہوئی؛ لیکن تیرا ماتھا فاحشہ کا سا تھا، تو نے شرمندہ ہونا قبول نہ کیا۔ کیا اب سے تو مجھے نہ پکارے گی، اے میرے باپ، تو میری جوانی کا راہنما ہے؟ یرمیاہ 3:1-4۔

در این بخش (و همه انبیا از ایام آخر سخن می‌گویند)، خدا آشکار می‌سازد که قوم او زنا کرده‌اند، تا آنجا که پیشانی فاحشہ‌ای یافته‌اند. فاحشہ ایام آخر همان قدرت پاپی است، و پیشانی نمایانگر تصمیمی آگاهانه و عامدانه است. قوم خدا در ایام آخر شریزند، اما خداوند هنوز دعوتی نہایی عرضه می‌دارد، هرچند آنان به نقطه‌ای رسیده‌اند که به همان تصمیمی دست یافته‌اند که فاحشہ بدان رسیده است. آنان خصلتی را پروراندہ‌اند که به وسیلہ نسل چهارم بازنمایی می‌شود، جایی که آمادہ‌اند خورشید را عبادت کنند، چنان‌که در نسل چهارم فصل هشتم حزقیال نشان داده شده است.

«Երբորդ 1897 թ. հրեշտակի պատգամը ուղարկվել է աշխարհին՝ մարդկանց զգուշացնելու, որ չընդունեն գազանի կամ նրա պատկերի նշանը իրենց ճակատների վրա կամ իրենց ձեռքերի վրա: Ընդունել այս նշանը նշանակում է գալ այն նույն որոշմանը, որին եկել է գազանը, և պաշտպանել նույն գաղափարները՝ ուղիղ հակադրությամբ Աստծո խոսքին: Բոլոր նրանց մասին, ովքեր ընդունում են այս նշանը, Աստված ասում է. «Նա ևս պիտի խմի Աստծո բարկության գինուց, որ առանց խառնուրդի լցված է նրա գայրության բաժակի մեջ, և պիտի տանջվի կրակով ու ծծմբով սուրբ հրեշտակների առաջ և Գառան առաջ»:» Review and Herald, July 13, 1897»

یرمیاہ آخری ایام میں خدا کے لوگوں کو اس طور پر شناخت کرتا ہے کہ گویا وہ پہلے ہی کسبی کی پیشانی رکھتے ہیں۔ وہ حیوان کا نشان حاصل کرنے کے دہانے پر ہیں، کیونکہ وہ "شریر" ہیں۔ ابھی جس اقتباس کا حوالہ دیا گیا ہے، اس میں سسٹر وائٹ مزید یوں جاری رکھتی ہیں:

«اگر نور حقیقت بر شما تابانیده شده باشد، به گونه‌ای که سبتِ فرمان چهارم را بر شما آشکار ساخته، و نشان داده باشد که در کلام خدا هیچ بنیادی برای نگاه‌داشت یکشنبه وجود ندارد، و با این همه شما همچنان به سبتِ دروغین بچسبید و از مقدس شمردن آن سبتی که خدا آن را "روز مقدس من" می‌خواند سر باز زنید، نشانِ وحش را دریافت می‌کنید. این امر چه زمانی روی می‌دهد؟—آنگاه که از فرمانی اطاعت می‌کنید که به شما امر می‌کند در روز یکشنبه از کار دست بکشید و خدا را عبادت کنید، در حالی که می‌دانید در تمام کتاب مقدس حتی یک کلمه نیز وجود ندارد که نشان دهد یکشنبه چیزی جز یک روز عادی کار باشد؛ بدین‌سان رضایت می‌دهید که نشان وحش را دریافت کنید، و مهر خدا را رد می‌کنید. اگر این نشان را بر پیشانی‌های خود یا بر دست‌های خود بپذیریم، داوری‌هایی که بر ضد نافرمانان اعلام شده است، ناگزیر بر ما فرود خواهد آمد. اما مهر خدای زنده بر کسانی نهاده می‌شود که با وجدان بیدار، سبتِ خداوند را نگاه می‌دارند.»

«و خدا دید که شرارتِ انسان در زمین عظیم است، و این که هر تصور افکار دل او دائماً جز شرارت نیست.... زمین نیز در حضور خدا فاسد شده بود، و زمین از ظلم پر شده بود.... و خدا به نوح گفت: پایان تمامی بشر به حضور من رسیده است؛ زیرا زمین به سبب ایشان از ظلم پر شده است؛ و اینک من آنان را همراه با زمین هلاک خواهم کرد.» ایشان می‌بایست منقطع می‌شدند، زیرا زمینی را که خدا آفریده بود تا قومی عادل از آن بهره‌مند شوند، آلوده ساخته بودند.

«چنان‌که در ایام نوح بود، "مسیح اعلام فرمود، "در ایام پسر انسان نیز چنین خواهد بود." و آیا چنین نیست؟ هر کسی که به روزنامه‌های روزانه نظر افکند، می‌تواند فهرستی بلند از جنایات را ببیند—مستی، دزدی، راهزنی، اختلاس، قتل. گاه تمام خانواده‌ها به قتل می‌رسند، تا امیال آن انسان برای تصاحب پول یا اموالی که از آن او نیست ارضا شود. جهان به راستی در حال تبدیل شدن به همان وضعی است که در ایام نوح بود، زیرا انسان‌ها آشکارا اوامر خدا را نادیده می‌گیرند.» 13، Review and Herald، ژوئیه 1897.

یرمیاہ آخری ایام میں خدا کے اُن لوگوں کی نشان دہی کر رہا ہے جو عنقریب سورج کو سجدہ کرنے والے ہیں، اور جب وہ ایسا کرتا ہے تو وہ یہ بھی واضح کرتا ہے کہ "بارش رگ گئی، اور پچھلی بارش نہ ہوئی؛ اور تیرا ماتھا کسی کے ماتھے کی مانند ہو گیا؛ تو نے شرم کرنا قبول نہ کیا." خدا کے لوگوں میں سے آخری ایام کے "شریر" پچھلی بارش سے محروم ہیں، اور وہ شرمندہ ہونے سے انکار کرتے ہیں، کیونکہ اُن کے خیالات برابر بدی ہی کی طرف مائل ہو گئے ہیں، جیسا کہ نوح کی سرگزشت سے ظاہر ہے، اور نیز حرقی ایل کے آٹھویں باب کی دوسری مکروہت میں تصویری کمروں کے ذریعے بھی۔

ارمیا شریران بی‌شرم قوم خدا را در ایام آخر متوجّه می‌سازد که از آن «زمان» به «راهنمای» «جوانی» خویش «فریاد» برآورند. راهنمای جوانی ادونتیسم همان دو لوح حقیق و جواهراتی بود که بر آن‌ها نمودار گردیده بود. یگانه امید برای رهایی از آن شرارتی که نزدیک است مرگ ابدی را بر شریران قوم خدا در ایام آخر فرود آورد، این است که به سوی خدایی فریاد برآورند که در آغاز راهنما بود؛ آغازی که در سال 1798 به «زمان آخر» رسید.

مسئله در تاریخ فرشته اول یا سوم این است که آیا باران آخر را دریافت می‌کنید یا دریافت نمی‌کنید. باران آخر از زمانی آغاز شد که امت‌ها در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ به خشم آمدند.

85» aquel tiempo, mientras la obra de salvación esté llegando a su fin, vendrá tribulación sobre la tierra, y las naciones se airarán, aunque serán contenidas para no impedir la obra del tercer ángel. En aquel tiempo vendrá la "lluvia tardía", o refrigerio de la presencia del Señor, para dar poder a la gran voz del tercer ángel y preparar a los santos para mantenerse firmes en el período cuando las siete últimas plagas sean

«باران آخر»، که همچنین به عنوان «تازگی بخشی» شناخته می‌شود، هنگامی آغاز شد که امت‌ها به خشم آمدند، و در آن زمان «کار نجات» رو به بسته شدن نهاد. چهار فرشته مکاشفه هفت، چهار باد را باز می‌دارند تا مهر کردن صد و چهل و چهار هزار به انجام رسد، و در فصل نهم حزقیال، آن کار به وسیله فرشتگانی نمودار شده است که بر کسانی که به سبب رجاست‌هایی که در اورشلیم به جا آورده می‌شود آه و ناله می‌کنند، نشانی می‌گذارند. در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، فرشتگان کار پایانی نهادن نشانی بر پیشانی‌های صد و چهل و چهار هزار را آغاز کردند.

کار پایانی فرشته سوم در هنگام باریدن باران آخر انجام می‌یابد؛ همان که «تازه‌سازی» نیز هست، و آن پیامی است.

او که به ایشان گفت: «این است آرامش که با آن می‌توانید خسته را آرام بخشید؛ و این است تازگی بخشی»؛ با این همه، نخواستند بشنوند. اشعیا ۲۸:۱۲.

پیامی که آنان در اشعیا از شنیدن آن سر باز می‌زنند، همان پیامی است که به وسیله زبان‌های لکنت‌آلود ابلاغ می‌شود، و همان پیام آزمون‌کننده‌ای است که روش‌شناسی «حکم بر حکم» را نمایندگی می‌کند.

पङ्क्तपिङ्क्तमिथः आदेश आदेशमथः आदेश आदेशमथनिमित्ततिनीहरूका वचन परमप्रभुको र, लडून् तरफ पछाडिरे, जाऊन् तनिहरू ताकः भयो अलकितित्यहाँ र, अलकितियहाँ; पङ्क्तपिङ्क्तमिथः शासन प्रजामाथियस भएका यरूशलेममा हे, यसकारण समातकिन्। र, परून् पासोमा र, पारकिन् टुक्राटुक्रा करार सँग-मृत्यु हामीले, छौ भनेका तमीहरूले कनिकसिन्। वचन परमप्रभुको, हो मानसिहरू गर्ने ठट्टा गर्ने, जानेछ बगदै वपित्तिआउने भएर कोर्रा उम्लँदो जब; छौ गरेका समझौता हामीले अधोलोकसँग र, छौ बाँधेका हामीले आडमा असत्यको र, छौ बनाएका शरण आफ्नो झूटलाई हामीले कनिक; आइपुग्नेछैन हामीसम्म त्यो । 28:13-15 यशैया छौ। लुकाएका आफूलाई

کلام خداوند، که همان پیام آسایش و تازگی بخشی (باران آخر) است و آنان را سبب می‌شود که «بروند و به عقب بیفتند و شکسته شوند و به دام افتند و گرفتار گردند»، به «مردان استهزاگر که بر این قوم ساکن اورشلیم حکم می‌رانند» داده می‌شود. اورشلیم همان‌جاست که فرشتگان، کسانی را که آه و ناله سر می‌دهند نشان می‌گذارند، و پیران کهنسال که به امانت سپرده شده به ایشان خیانت کرده‌اند، نخستین کسانی هستند که فرو می‌افتند.

«نشان رستگاری بر آنان نهاده شده است که برای همه رجاست‌هایی که انجام می‌شود، آه می‌کشند و فریاد برمی‌آورند.» اکنون فرشته مرگ به پیش می‌رود، چنان‌که در رؤیای حزقیال به وسیله مردانی با سلاح‌های گشوده نمود یافته است؛ همانان که این فرمان به ایشان داده شد: «پیر و جوان را، دوشیزگان و اطفال و زنان را بالکل بکشید؛ اما به هیچ‌کس که نشان بر اوست نزدیک نشوید، و از مقدس من آغاز کنید.» نبی می‌گوید: «پس از مشایخ که پیش خانه بودند آغاز کردند.» حزقیال ۹:۱-۶. کار هلاکت از میان کسانی آغاز می‌شود که دعوی کرده‌اند پاسداران روحانی قوم‌اند. دیدبانان دروغین نخستین کسانی‌اند که فرو می‌افتند. کسی نیست که ترجم کند یا دریغ دارد. مردان، زنان، دوشیزگان و اطفال، جملگی با هم هلاک می‌شوند.» نبرد عظیم، ۶۵۶.

ما در مقاله بعدی به بررسی ادامه‌دار افزایش معرفتی که در سال ۱۹۸۹ پدید آمد، خواهیم پرداخت.

«آن که به زیر سطح می‌نگرد و دل‌های همه آدمیان را می‌خواند، درباره کسانی که از نور عظیم برخوردار بوده‌اند، می‌گوید: «از وضعیت اخلاقی و روحانی خود نه مبتلا به اندوه‌اند و نه دچار حیرت.» آری، راه‌های خود را برگزیده‌اند، و جان‌شان به مکروهات خویش رغبت می‌ورزد.» من نیز

او هام ایشان را بر ایشان برخو اهم گزید، و آنچه را از آن می ترسند بر ایشان خو اهم آورد؛ زیرا چون خواندم، هیچ کس پاسخ نداد؛ چون سخن گفتم، نشنیدند؛ بلکه آنچه را در نظر من بد بود به جا آوردند، و آنچه را که بدان رغبت نداشتم برگزیدند. "و خدا عمل گمراهی را برای ایشان خواهد فرستاد تا دروغ را باور کنند"، زیرا "محبت راستی را نپذیرفتند تا نجات یابند"، بلکه به ناراستی رغبت داشتند. "اشعیا 66:3، 4؛ 2 تسالونیکیان 2:11، 10، 12.»

«معلم آسمانی پرسید: "چه فریبی نیرومندتر از این می تواند ذهن را اغوا کند که انسان وانمود کند بر بنیاد درست بنا می کند و خدا اعمال او را می پذیرد، حال آنکه در واقع بسیاری امور را بر وفق سیاست دنیوی به انجام می رساند و بر ضد یهوه گناه می ورزد؟ آه، این فریبی عظیم است، ضلالتی افسونگر، که بر ذهن ها چیره می شود، آنگاه که کسانی که زمانی حقیقت را شناخته اند، صورت دینداری را با روح و قدرت آن اشتباه می گیرند؛ هنگامی که می پندارند دولتمند شده و از نعمت ها افزون گشته اند و به هیچ چیز محتاج نیستند، در حالی که در حقیقت به همه چیز محتاج اند."» Testimonies, جلد 8، 249، 250.